

برای ایران
اسلام جز بدنامی
و عقب ماندگی
هیچ نیارود

پیداری

ماهنامه‌ی شماره‌ی ۹۷ کانون خردمداری ایرانیان
سال هفدهم - مهرماه ۲۵۷۶ برابر ۱۳۹۶ عربی

بزرگی ایران
از نام ایران است
نه از
نیام اسلام

برای آن چهار تکه استخوان پوسیده در عراق، ملت ایران تا چند قرن و چند نسل باید هزینه پردازد؟

فقط در ماه گذشته از سوی یک جمعیت اسلامی ۱۸۰ قطعه فرش نفیس ایرانی به کربلا فرستاده شده، محسن واحدی مسئول طرح گفت «هزار متر مربع فرش هم برای حرم امام موساکاظم در حال بافت است، تار همه فرش‌ها از ابریشم عالی و نخ آنها از بهترین پشم است.» شهرداری تهران برای ارایه‌ی خدمات به زائران عتبات عالیات! ده میلیارد تومان بیشتر از پارسال که چهل میلیارد تومان هزینه کرده بود از دولت درخواست کمک کرده است! سرپرست وزارت نیرو ستار محمودی گفت ما شبکه برق رسانی سوریه را بزودی بازسازی می‌کنیم. این چند نمونه کوچک از انتقال ثروت مردم ایران به کشورهای عربی و چپاول‌ها در یک ماه است.

خاک آن گورهای در عراق و شام را باید بر سر مسلمانان دانشگاه‌رفته ایران ریخت که با مسلمانی خود، عوام و مردم را گمراه کرده به دنبال خویش می‌کشند.

محمد نوریزاد

نامه‌ی سی و هفتم به خامنه‌ای

سلام به رهبر جمهوری اسلامی ایران. من در این که یک روز شما را کشان کشان به محاکمه می‌برند ذره‌ای تردید ندارم، آن روز مبارک و البته دهشتناک حتماً در چند قدمی است. شما راکه از ترس موشکافی قاضیان درست‌اندیش نای مانده در رویه‌ی ۳

دکتر محمد علی مهر آسا

پاسخ به مقاله‌ی سراسر جفنگ «هارون یحیی» در باره‌ی بی‌دینی در اروپا!

من که این کتاب هارون یحیی در باره معجزات قرآن نسبت به کشفیات اخیر دانشمندان را خوانده و پی به مهملات و مضحکات درون آن برده‌ام، تاکنون تصورم این بود که

پاسخ به مقاله‌ی سراسر جفنگ «هارون یحیی» در باره‌ی بی دینی در اروپا!

«هارون یحیی» مُرده است و دستکم نوشته‌هایش مربوط به ۵۰ سال پیش است. اما با دیدن عکس و نوشتار جدید آقای هارون یحیی در روی سایت «العربیه» که بر روی سایت بزرگ گویای ایرانی پخش می‌شود، متوجه شدم که این عالی‌جناب زنده است و در این دور و زمان یعنی قرن بیست و یکم برای قرآن معجزات فرمایشی و مسخره تراشیده است که جوانان امروز را به دین اسلام راغب کند. البته هارون یحیی به زبان عربی که زبان بهشت است کتابش را مرقوم فرموده است! و آقای (ع-پ) مترجم آن به زبان پارسی است.

آقای هارون یحیی غافل از این است که جوانان امروز درس خوانده و اغلب دانشمندند؛ لذا مهملات را از معنویات و جفنگ‌ها را از واقعیات جدا کرده و مشخص می‌کنند. این معجزات وهمی و خود تراشیده برای قرآن، دقیقاً مقایسه موز است با شقیقه.

آقای هارون یحیی که مقاله‌شان را در سایت العربیه با عکس خویش مزین فرموده‌اند، باز از همان دست گفتار و عنوان و ساختاری که دین‌های نحس، نجس، مهمل و دروغ بر آنها سوارند، دفاع بی‌حاصل کرده و سخنانی تحویل خواننده داده که بیشتر دروغ است تا یک سخن درست. و ادعا کرده است که اروپا راه غلط می‌رود چون جلو اسلامگرایی را در ظاهر سد کرده است! او در نوشتار خویش ضمن تجلیل از تشکیل اتحادیه اروپا که او و هم‌اندیشانش به آن برای ترویج دین و مذهب دلبسته بودند، به شدت ناراضی است و از آن اظهار انزجار فرموده است. جناب هارون یحیی آورده است.

«اتحادیه اروپا که در سال ۱۹۹۳ تشکیل شد برای جهانیان رخدادی امیدبخش بود... اگرچه این اتحادیه هنوز هم ارزش‌های خود را حفظ کرده است؛ اما اخیراً با انتقادات شدید بویژه از سوی شهروندان خود مواجه شده است. اوضاع بد اقتصادی! برخوردهای تبعیض‌آمیز با پناهجویان، تشدید ناآرامی‌ها و نیز افزایش نگران‌کننده‌ی نژادپرستی، وضعیتی اسفناکی برای اروپائی‌ها به وجود آورده است. بخشی از وضعیتی کنونی را می‌توان ناشی از فاصله گرفتن تدریجی اروپائی‌ان از معنویات (بخوانید دین‌ها) دانست»

«آمارهای منتشره استدلال فوق را تأیید می‌کند. اخیراً کلیساهای زیادی در آلمان و انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی بسته شده‌اند و بعضی از آنها به املاک شخصی بدل شده‌اند.

براساس آمارها در آلمان بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱ مجموعاً ۸۲ کلیسا در این کشور تخریب شده است. همچنین حدود ۲۰۰ کلیسای پروتستان به افراد دیگر واگذار شده است که بعداً یا به تملک شخصی درآمده و یا تبدیل به رستوان، باشگاه و غیره شده است»

می‌بینید چه خبر خوش و وسوسه‌انگیزی است که آقای هارون یحیی را چنین دست پاچه و بیچاره کرده و اعصابش را تیغ زده است؟

آخر آقای متعصب دینی که گویا عرب نیز هستید! مگر تبعیض با پناهجویان توسط همان مردم اروپا صورت نمی‌گیرد؟ مردم اگر از اقتصاد ناخوشنودند به این دلیل است که:

۱- کشورهای متحد همگون و همسنگ نیستند. یونان با اقتصادی ضعیف و پولی ضعیف‌تر، باید همان پول را مصرف و هزینه کند که آلمان و فرانسه ثروتمند به کار گرفته‌اند. یعنی «یورو» و چنین است که اوضاع کشورهای نظیر یونان فلاکت‌بار شده است. این که کاری دولتی است و دولت یونان باید یا وارد این ماجرا نمی‌شد، یا پولش را مانند بریتانیا عوض نمی‌کرد! مردم یونان در عوض دارند چوب نادانی دولت را می‌خورند.

۲- تصورشان این است که جمعیتی فزون از مسلمانان حریص و پُرخور به اروپا پناهنده بی‌خود شده‌اند و اروپا را اشغال کرده و غذای مردمش را می‌خورند و قیمت‌ها را بالا می‌برند.

مگر همین اروپایی‌ها یعنی مردم کوچ و بازار نیستند که بر روی مقنعه بر سرها داد می‌کشند که بروید به همان شترخانه‌ای که از آن بیرون آمده‌اید؟ مگر همین جوانان اروپایی نیستند که داد می‌کشند ما از دست دین در غذا بیم و کلیساهای خود را نبز ویران می‌کنیم؛ پس این تحفه را به کشور خود برگردانید؟ مگر خود مردم اروپا داد نمی‌زنند که ما با این مقنعه بر سرها مخالف و دشمنیم؟! پس شما از دست چه کسانی در غذا بید؟ چرا و با چه درایتی ملت فهیم و درسخوانده‌ی اروپا را به زیر نقد و تهاجم می‌برید؟ فرموده‌اید:

«علاوه بر این، بیش از ۶۷۰۰۰ نفر از کلیسای سوئد جدا شده‌اند و براساس بعضی گزارش‌ها این تعداد در ۱۵ سال گذشته به بیش از یک میلیون نفر رسیده است. کلیسای «سنت ژزف» هلند با ظرفیت هزار نفر، تبدیل به یک باشگاه ژیمناستیک شده است. مشابه چنین مواردی در انگلیس و دانمارک نیز گزارش شده است. مهمترین دلیل بسته شدن این کلیساها تمایل گروهی مردم به الحاد و بی‌دینی است»

براین مؤده‌گر جان فشانم رواست

که این مؤده آسایش نسل ماست

آری ماهم همین را از درسخوانده و دانایان و دارندگان ایرانی

نامه‌ی سی و هفتم به خامنه‌ای

مانده از رویه‌ی نخست

راه رفتن نیست کشان کشان می‌آورند درون دادگناه و به شما می‌گویند آقای سیدعلی خامنه‌ای پرونده شما بسیار سنگین و خونین است. خلاصه‌ای از پرونده‌تان را بدست شما می‌دهند و شما به چشم خود شمارگانی از فاجعه‌هایی را می‌بینید که با امضا و اراده شما آرامش و زندگی و آبروی بسیاری از مردمان را رفته و نابود کرده است. عرق سردی بر پیشانی شما می‌نشیند، شاکیان شما میلیون‌ها پیر و جوانی است که مستقیم و غیرمستقیم از شما آسیب دیده‌اند و دار و ندارشان به اراده شما، بستگان شما، مأموران و گماشتگان شما محو و نابود شده‌اند. شما با هرکلام شاکیان در خود فرومیرید، از شما می‌خواهند پاسخ دهید. رو به رئیس دادگاه و مردم می‌گویید آقای رئیس، مردان و زنان، دختران و پسرانی که از من به این دادگاه شکایت آورده‌اید، من طلبه‌ای بودم بی‌نام و نشان که خود را به رنگ و لباس محمد و علی می‌آراستم و با همین رنگ به کانونی از عواطف و بی‌خردی مردم نفوذ می‌کردم و نان خود و زن و فرزندانم را از همین کانون عاطفه بر می‌داشتم. ناگهان دیدم که درها و تخته‌ها بهم خوردند و انقلابی شد و من شدم رئیس جمهور! و سپس شدم رهبر، من که در تامین و اداره مایحتاج خانواده خویش درمانده بودم، ناگهان اداره و تامین زندگی ملت بزرگ بدست من افتاد با هیچ تجربه‌ای! من آخوند بودم و با برآمدن من چنان نانی به سفره آخوندها ریخته شد که تاریخ به یاد نداشت! از فرط بزرگ‌نمایی دوستان قدیس و آسمانی شدم، جوری که جماعتی غذای نیم خورد مرا از هم می‌ربودند و جای عبور پای مرا می‌بوسیدند. خانم‌ها و آقایان بدانید که پنج طایفه بر من جفا کردند و مرا به این جایگاه و دادگاه کشاندند، نخستین‌اش اصلاح طلبان بودند که با هر انتقادی که از من می‌کردند، ده‌ها پیک چاکری به سراغ من می‌فرستادند که ما هوادار شما هستیم! دومین گروه اصول‌گرایان بودند که خمیر دست من بودند و هیچ اراده‌ای جز خاکساری نداشتند، آنها زیر پای من فرش می‌شدند که لقمه‌ای به کاسه آنها بیندازم. بعدش سرداران و بسیجیان و قاضیان بودند که برای گسترش خواسته‌های من فضا سازی می‌کردند و ترس مرا به جان مردم می‌انداختند. بعد از آنها مردمی بودند که از من آسمان می‌خواستند، این مردم به چشم خود می‌دیدند که چیزی در من بجز آرمانهای پُر خسارت شیعه‌گستری و رقیب‌روبی نیست ولی آنها در میانه‌های آسمان تختی از چاکری برای من ساخته بودند.

خود توقع داریم که با دین‌گودبای بگویند. این را هم اشاره کنم. من به شدت از آدم دروغگو بدم می‌آید. چنین افرادی اگر دروغی در کتابی و یا مقاله‌ای بنویسند من از کسانی خواهم بود که با نام، او را معرفی می‌کنم و نوشتن توهین به اینگونه افراد را نیز بی‌جا نمی‌دانم. زیرا معتقدم آدم دروغگو به شعور و احساس طرف مقابلش توهین می‌کند به او غیر مستقیم می‌گوید که «تو لاشعوری و دروغ‌ها و جفنگ‌های مرا می‌پذیری» بویژه اگر شنونده دروغ‌ها سکوت کند و اعتراضی از جانب او سر نزند. بنابراین کسی که انشتین یهودی الاصل بی‌دین شده را گرویده به مذهب شیعه معرفی می‌کند و با چنین مذهبی او را می‌میراند، برای من مسلم است که او دروغ می‌گوید و خودش نیز به این دروغ‌گویی واقف است. پس اگر تصور کند که من ادعای او را پذیرفته‌ام و دروغ‌هایش را باور کرده‌ام، مرا لاشعور و نابخرد تصور کرده است. و اگر پاسخ دروغ‌گویی‌هایش را دریافت نکند، این تصور به یقین تبدیل خواهد شد. این را برای آنان می‌نویسم که می‌گویند رعایت بعضی آداب را بکن!

آری جناب هارون یحیی که ممکن است غصه‌ی از بین رفتن دین و مذهب در اروپای متمدن شما را به عارضه قلبی دچار کند، مطمئن باشید بی‌دینان روز به روز در حال افزودند و هرچه دانش پیشرفت کند، موهومات مربوط به آسمان ضعیف و ضعیف‌تر شده و در نهایت افول می‌کند.

موضوع دیگری را اگرچه خوش ندارم به این صراحت بگویم، اما ناچاری مجبورم می‌کنم که دست به سوی خوانندگان دراز کنم. دوستان عزیز خواننده که بعضی از شما به حقیقت به بیداری اعتقاد دارید و آن را می‌ستایید، می‌دانید که ما نه آگهی تجارتي می‌گیریم و نه شماره فروشی داریم تنها تاکنون این نشریه به همت شما خوانندگان تهیه و پخش می‌شد. اما شوربختانه تعدادی از کمک‌کنندگان که مبالغ کم‌کشان قابل توجه بود و رفع نیاز ما را می‌کرد، در اثر کهولت و ماندن چهل ساله حکومت ملایان از دنیا رفتند و کم‌کشان نیز به همین علت قطع شد. اکنون نشریه برای انتشار به زحمتی بزرگ دچار شده و نمی‌تواند سر موقع آن را به دست شما دوستان با فرهنگ برساند. حتی هفته‌ها در چاپخانه می‌ماند و ما پول برای پرداخت حق چاپ نداریم. تا کی می‌توان وسیله خانه را فروخت و نشریه منتشر کرد؟ ممکن است نبود بودجه ما را مجبور به قطع انتشار کند. لذا از شما خوانندگان عزیز خواهش می‌شود هرگونه که می‌توانید به نشر بیداری کمک کنید که این خدمت فرهنگی متوقف نشود. به‌ویژه آنان که مرتب در تلفن تعریف می‌کنند و قول‌ها می‌دهند ولی چندین سال است یک پنی کمک نکرده‌اند. امید است درخواستم را اجابت فرمایید.

حامد عبدالصمد

زوال جهان اسلام (۲)

حامد عبدالصمد پسر امام جمعه مسجد بزرگ مصر در ادامه می‌نویسد،

در غرب این تصور حاکم است که اسلام بسیار نیرومند و در حال پیشروی است. رُشد جمعیت مسلمانان در کشورهای اسلامی و بمب گذاری های خونین بنیادگرایان نکاتی هستند که غربی ها برای درستی نظرات خود ارائه می‌دهند، ولی واقعیت این است که جهان اسلام خود را در یک تنگنای دفاعی احساس می‌کند و بدین گونه علیه تهاجم سیاسی و اقتصادی غرب به اعتراض برخاسته است.

در غرب از یکسو اروپاییان نگران اسلامی شدن اروپا و زوال مغرب زمین هستند و در همان حال مسلمانان نیز خود را به عنوان قربانیان نقشه های غربیان می‌نگرند که هدفشان کنترل کامل بر منابع اقتصادی و نابود کردن اماکن مقدس آنها می‌باشد. اسلام در حال حاضر ممکن است هر چیز باشد ولی قطعاً، اسلام نیرومند نیست، به عکس اسلام شدیداً ضعیف و بیمار است. این دین هم به لحاظ فرهنگی و هم به لحاظ اجتماعی در حال عقب‌نشینی است. خشونت دینی، اسلامی کردن فزاینده عرصه‌ی عمومی و پافشاری جنون‌آمیز روی نمادهای اسلامی مانند حجاب تنها واکنش های عصبی این عقب‌نشینی هستند. نشانه های روشنی دال بر نبود اعتماد به نفس و فقدان آزادی عمل اسلام‌گرایان وجود دارد. در این جا تنها موضوع بر سر رنگ آمیزی خانه‌ای است که در آستانه‌ی فرو ریزی است، اما حتا فروریزی یک خانه نیز خطرناک است. طبق منطق تاریخ می‌بایستی فرهنگ اسلامی حداکثر در دهی قرن بیستم از صفحه روزگار محو می‌شد، پس از پایان گرفتن نظام خلیفه‌ای همه چیز نشانگر آن بود که ایده‌ی حکومت الهی جای خود را سرانجام به دولت ملی می‌دهد و دیگر برای الگوی حکومتی پدر سالارانه آینده‌ای وجود ندارد ولی تاسیس اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ در مصر و کشف نفت در عربستان ظاهراً کافی بود تا جلوی نابودی اسلام (بطور موقتی) گرفته شود. بقیه دارد.

از چرخش روزگار! عربستان قبیله‌ای و خلیفه‌ای امروز شاه دارد و ایران چند هزار سال پادشاهی امروز خلیفه دارد ترقی معکوس کرده‌ای جانا. ندا جلابی

پنجمی خودم هستم که با بضاعتی که نداشتم، اندازه خود را از کف دادم و فکر کردم لابد من کسی بوده و هستم که دیگران از من آسمان می‌خواهند و جملگی سینه چاک من‌اند.

تیتز درشت نامه اعمالتان که در دست دارید چنین است. شما آقای خامنه‌ای چه ها که با این مردم نکردید، یادتان باشد شما برای ماندن در جایگاه رهبری و بقای نظامتان آدم کشتید، آدم کشتید و آدم کشتید. محمد نوریزاد ۲۴ شهریور ۱۳۹۶ برابر با سپتامبر ۲۰۱۷

جوانان، ای جوانان ارزشمند ایران

هرچقدر نسل جوان پیش از انقلاب ایران خوشبخت و راحت بود و آینده‌ی روشنی داشت نسل‌های بعد از انقلاب بدشانس‌ترین نسل‌های ایرانی در سراسر تاریخ میهن ما بوده‌اند جوانان پیش از انقلاب عمدتاً دو دسته بودند، دسته بزرگی که از سیاست چیزی نمی‌دانستند، به کار درس خود مشغول بودند، دولت و پدر و مادرها برای آنها برنامه ریزی می‌کردند و کارهایشان کم و بیش پیش می‌رفت و کسی نگران وضع اعتیاد بچه‌ها نبود، نگران آینده آنها نبود و دسته دوم جوانانی بودند که گروه کوچکی را تشکیل می‌دادند و به‌طور زیرزمینی به دنیای پیچیده سیاست روی آورده بودند و به زعم خود با حکومت به ستیز و به مبارزه می‌پرداختند و در نهایت با پیوستن آنها به دارو دسته خمینی و آخوندها و سازمانهای دیگر سیاسی مانند حزب توده و بخشی از جبهه ملی با کمک خارجی‌ها در نهایت رژیم را از میان برداشتند و خود به برپایی جمهوری اسلامی همت گماشتند. اما به‌دو سال نکشید که بیشتر آن جوانها به‌کنار گذاشته شده و حکومت نیرومند شده‌ی آخوندی گوشمالی سختی به آنها داد و اینک بار سنگین آن بی‌تفاوتی‌ها سیاست‌بازی‌های نسل جوان پیش از انقلاب چون بختکی کشنده بر دوش نسل جوان امروز افتاده و نفس همه را گرفته است. اتفاقاً امروز همان روزی است که ایران به‌سختی نیازمند نیروی جوانان زمان خویش است، همین جوانانی که ناجوانمردانه در موقعیت سخت و بدی قرار گرفته‌اند و بدون داشتن کوچکترین تقصیر و گناهی میراث‌دار کج سلیقگی‌ها و اشتباهات پدران و مادران و پدر بزرگ و مادر بزرگان خویش‌اند. جوانان نازنین بدانید که کس نخارد پشت‌تان جز ناخن انگشت‌تان. به‌انتظار کسی نباشید و بدانید که کسی به‌فکر شما نیست.

حجاب اجباری زورگویی وحشیانه است.

پرویز مینویی

دکتر مرتضا میرآفتابی

سیلاب تکزاس

اندیشمندان ایران ما درباره اسلام
و آخوند چه می‌گویند (۲)

علم‌الهدی، آخوند دیوانه‌ای است در مشهد که سخنان نامربوط زیاد می‌زند. یکی از این سخنان که چندبار گفته «مشهد جای کنسرت نیست و هرکس کنسرت می‌خواهد از مشهد برود بیرون!» انگار که او صاحب مشهد است بعدها گفت خراسان جای کنسرت نیست هرکس کنسرت می‌خواهد از خراسان برود بیرون! اگر در تهران بود می‌گفت، ایران جای کنسرت گذاردن نیست و هرکس کنسرت می‌خواهد از ایران برود بیرون. شنیده‌ام او گفته چون در هوستون تکزاس خانم‌ها لباسهای سینه باز و شلوار تنگ و کوتاه می‌پوشند خداوند برایشان سیل فرستاده است.

در همان روزایی که در ایالت تکزاس به ارتفاع یک و نیم متر باران باریده و رکورد پیشین را که یک متر و بیست سانتیمتر بوده شکسته بود در کالیفرنیا مردم تشنه یک قطره باران بودند و در اثر بی بارانی و خشکی، آتش سوزیهای مهیبی رخداد در تکزاس مردم در اثر باران زیاد به مصیبت های فراوان دچار شده‌اند و از خانه و کاشانه‌ی خود بیرون ماندند و در کالیفرنیا در اثر آتش سوزیهای ناشی از خشکی و نیامدن باران مردم خانه و کاشانه‌ی خود را از دست می‌دهند! همه‌ی این رخدادها نشان می‌دهد خدایی نیست که بر نظام جهان حاکم باشد و نظمی در کارهایش دیده شود.

اگر به گفته آن آخوند احمق باز بودن لباس بانوان سبب ریزش باران می‌شود در اروپا و بویژه در سوئد در استخرها دختران جوان از مایوی دوتکه فقط تکه پایین را دارند و در روزهای آفتابی به همین شکل روی چمن جلوی خانه‌ها دراز می‌کشند و آفتاب می‌گیرند، یا در سواحل فرانسه جاهایی هست که این یک تکه مایو را هم ندارند، زن و مرد لخت مادرزاد راه می‌روند و شنا می‌کنند، و معلوم نیست چرا در آنجا‌ها این بارانهای ویران کننده و کشنده که تکزاس ما را درهم کوبیده دیده نمی‌شود. به این آخوندهای دروغگو و دیوانه می‌گویم اگر به حرف خود ایمان دارید پس تعدادی از خواهران زینب را بامایو دوتکه به زاینده رود و دریاچه ارومیه بفرستند تا رفع خشکی آن جاها شود. من سپاسگزار فرزندان خوبم هستم که مایل‌ها رانندگی کردند و آمدند مرا از خطر سیلابی که شهر ما را در برگرفت نجات دادند و به منزل خود بُردند و چه بسیار مردم و همسایگانی که فرزندی نداشتند تا به نجات شان بیایند و در سیلاب غرق شدند و جان باختند، از کدام خدا و عدالت سخن می‌گویید؟

فتحعلی آخوندزاده متفکر بزرگ ما در باره اسلام و عوام می‌گفت: «در کوچه و برزن، سینه زنان و مویه کنان ناله را به عرش می‌رسانند، می‌پرسی که چه شده است؟ پاسخ می‌دهند که هزار و دویست سال پیش از این، ده پانزده عرب، ده پانزده عرب را در صحرای کوفه گشته‌اند!».

میرزا آقاخان کرمانی در دوران قاجاریه، همه‌ی همت خود را گذاشت تا مردم را آگاه کند اما افسوس که هنوز کتابهای او در ایران منتشر نمی‌شود. آخوندها و روضه خوان های شیعه در درازای تاریخ ایران همیشه مردم را به عزاداری و ماتم و گریه و سوگواری کشانده‌اند و مردم عوام هم به این گریه و گیل به سر مالیدن و به‌امامزاده رفتن و دخیل بستن و زاری کردن و اندوه تن داده‌اند.

در زمان ساسانیان ما مردم، رامین و باربد و نکیسا و رامبد و رامش داشته‌ایم. خیام هم می‌گفته «می‌خوردن و شاد بودن آیین من است»

نیمایوشیح شاعر نوآور و اندیشمند ما به همین سبب می‌گفت: «.... هرآن اندیشه در ما مُردگی آموز، ویران» و حافظ می‌گفت بیا تا گُل برفشانیم و می در ساغر اندازیم» یعنی عزا و نُدبه و گریه و زاری را رها کنیم و به سوی زندگی برویم. با همه این‌ها، شادمانی در فرهنگ ایرانی همیشه ماندگار بوده و خواهد بود.

«آیان حرصی علی» زن سیاهپوست سودانی که از اسلام برگشته و در اروپا فعال حقوق بشر می‌باشد، می‌گوید، یک زن غربی مایملک برادر یا پدرش نیست، او می‌تواند زندگی خودش را انتخاب کند، اما در یک خانواده مسلمان ناموس و شرف مرد در میان پاهای زنان آن خانواده است! زنها در اسلام آزاد نیستند.

آن دو تابچه‌ی دهن لُق ایرانی تجاوز شده در فرودگاه مکه، با تجربه‌ای که از سفر پیشین بدست آورده بودند، امسال خودشان کاروان به حج بُردند!! دوست یکی از دهن لُق‌ها

دنیا باید بداند که شیعه وحشی است

«از سخنان حجت‌الاسلام نبویان»

حجت‌الاسلام سید محمود نبویان که اخیراً خواستار اعدام کسانی شده بود که به اصل ولایت فقیه اعتقادی ندارند می‌گوید «می‌توان به روشهای دیگری چون خوردن گوشت انسانهای مرتد هم متوسل شد، همانطور که در دوران صفویه با مخالفان دین خدا انجام شده است. آدمخواری اگر در راه خدا و اسلام باشد در حکم هفتاد سال عبادت است. نبویان در همان مصاحبه با خبرنگار فارس اضافه کرد در زمان صفویه شیعیان مخالفین شاه را می‌خوردند، امروز ما را چه شده که به اندازه آدمخواران شاه عباس غیرت شیعی و توحش دینی نداریم! اسلام احکام آدمخواری را معلوم کرده و دنیا باید بفهمد که شیعه وحشی است!! و با کسی شوخی ندارد، ما باید نشان بدهیم که شیعه مرتضای علی هستیم، دوتا سوسول دانشگاه رفته را به میان بسیجیان بیندازیم و بگوییم اگر شیعه حضرت عباس هستند اینها را بخورید. خواهید دید دو بار که اینها را بخورند مریضی ارتداد از جامعه اسلامی زده می‌شود!»

از گفته‌های دیگر یکی از همین وحوش در تلویزیون NEMRI-TV که یک تلویزیون اسلامی است «انشاءالله بزودی حضرت مهدی ظهور می‌کند و اگر مردمی با ایشان به مخالفت برخیزند آنهايي که اسیر لشکر حضرت و اسلام شوند احکام اسارت و بردگی گرفتن زنانشان آغاز می‌شود و هر شخصی پنج یا ده تن از زنان اسیر را خریداری کرده و دوستان این اشخاص به منزل آنها که بیایند دختران و زنان برده شده را به مهمانان خود عرضه کنند زیرا که آنها چندین زن برده اضافه دارند. مهمانان بجای اینکه با این دختران و زنان ازدواج کنند و باعث ناراحتی زن‌های دیگر خود شوند نیمساعتی با این بردگان همبستر می‌شوند و دیگر مشکلی در خانواده‌ها بوجود نمی‌آید وقتی هم که کارشان تمام می‌شود می‌روند منزل نزد زن و بچه خود و اگر همسرش از او پرسید کجا بودی دیگر اشکالی ندارد که بگوید در منزل دوست خود بوده چون دروغ نمی‌باشد هرکسی می‌تواند به منزل دوست خود برای نیمساعتی برود تازه دوست برده دار این آقا هم از نظر اسلامی کار خلافی انجام نداده و اسلام به او اجازه می‌دهد برده گانش را در اختیار این و آن قرار دهد و به قرارداد ازدواج هم نیازی نیست!!»

یکی دیگر از وحوش شیعه بنام شهریاری که نماینده مجلس اسلامی است می‌گوید «چه اشکالی دارد فقرا کلیه هایشان را بفروشند تا زندگی‌شان متحول شود، تازه اینکار یعنی فروش کلیه در اسلام یک کار شرعی هم می‌باشد» ببینید ملت ایران گرفتار دست چه وحوشی شده است.

از انقلاب اسلامی ۳۸ سال گذشت ولی ایران اسلامی نشد

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید بعد از ۳۶ سال که از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، بعد از این که دو رهبر، دونخست وزیر، هفت رئیس جمهور همه مسلمان کشور را اداره کردند، بعد از این که ده شبکه تلویزیونی ۲۴ ساعته و صد شبکه رایویی ۲۴ ساعته و هزاران روزنامه از صبح تا شب برای اسلامی کردن کشور تلاش کردند، بعد از گذشتن عمر دو نسل از مردم که بیش از هشتاد درصد شان در جمهوری اسلامی به دنیا آمدند، بعد از ایجاد صد هزار مسجد و تربیت صد هزار روحانی، «اسلامی شدن دستگاه‌های نظام به گندی پیش می‌رود»

حالا باید چکار کنیم که کشور اسلامی نمی‌شود. در کشور اسلامی ما نامسلمان‌ها هم که الحمدالله نه می‌توانند وزیر و وکیل بشوند و نه می‌توانند روزنامه و مجله و تلویزیون داشته باشند، حتی ارمنی‌ها و یهودی‌های کشورمان هم که از مسلمان‌های کشور مسلمان‌تر هستند، پس چرا کشور اسلامی نمی‌شود؟ شما یک هویج را گرفته و هی تلاش می‌کنی تبدیلیش کنی به آلبالو، این کار شدنی نیست مثل این که اسلامی شدن هم به این سادگی‌ها نیست، ملت هشت سال می‌دوند دنبال خمینی و هی صبح تا شب می‌گویند روح منی خمینی بت شکنی خمینی و آقا هی دست نوازش برابرها می‌کشد، بعد از سی سال معلوم می‌شود که بسر و دختر و نوه و نتیجه و ندیده و نبیره و همه بازماندگان بنیانگذار جمهوری اسلامی از کفار هم بدترند مردم چه تقصیری دارند؟

از وسط همه آخوندهای مسلمان‌تر خامنه‌ای می‌شود رهبر که یک خواهرش می‌شود هوادار مجاهدین خلق، شوهر خواهرش می‌رود عراق می‌شود سخنگوی مجاهدین خلق، خواهر زاده‌اش فرار می‌کند به آلمان می‌شود عنصر مساله دار، برادرهای رهبر هم می‌شوند عناصر معلوم الحال! وقتی رهبر مملکت نمی‌تواند اطرافیان‌ش رادست کند، مردم عادی و دستگاهها چه تقصیری دارند؟

در جمهوری که اسلامی است رفسنجانی نور چشم امام می‌شود فتنه‌گر، موسوی، کروبی و منتظری می‌شوند گمراه و فرزندان اینها می‌شوند آقا زاده‌های فاسد و دزد و دختر باز و در هیچ جا دیگر از اسلام خبری نیست.

در این میان خاتمی و روحانی با مکر و ترفند و احمدی نژاد با خل بازی برای اسلامی کردن مردم نقشه‌ها می‌کشند اما هیچکدام کار نمی‌کنند و کشور اسلامی نمی‌شود که نمی‌شود. پایین این نوشته نام ابراهیم نبوی آمده است.

دکتر احمد ایوانی

زکریای رازی

پیش‌تاز اسلام ستیزان جهان

ابوبکر محمد بن زکریای رازی، فیلسوف، شیمیدان و شخصیت تاریخی در جهان پزشکی در قرنهای سوم و چهارم هجری میزیست. وی نویسنده‌ی بیش از ۲۰۰ کتاب، رساله و دفتر در رشته‌های گوناگون است. رازی رییس بیمارستانهای بغداد و ری بوده است. براساس نوشته‌های «فرهنگنامه‌ی بریتانیا» نخستین پزشکی است که کتابی در باره بیماریهای آبله و سرخک نوشته است. رازی را کاشف الکل و نفت سفید می‌دانند.

ترجمه نوشته‌هایش در علم پزشکی در سده‌های میانه یا قرون وسطا در اروپا اثری بسیار ژرف بر دانش پزشکی و درمان بیماران برجای گذاشت.

برخی از کتابهای او مانند «درباره‌ی جراحی» و «کلیات درمانگری» در کلاسهای دانشکده‌های پزشکی اروپا تدریس میشد.

از رازی با عنوان‌هایی چون «پزشک پزشکان»، «پدر پزشکی کودکان» و «پیشاهنگ چشم پزشکی» یاد شده است. از رازی با عنوان بزرگترین و اصیل‌ترین پزشک مسلمان ایرانی! (بیشتر به نادرستی پزشک عرب) و یکی از نامدارترین مؤلفان نیز نام برده شده است.

اشاره‌ای به برخی از اندیشه‌های رازی

رازی ارتباط «پیام آوران» را با خدا یا پایه‌های نبوت و وحی را با بی‌پروایی بسیار انکار می‌کند. استاد شجاع‌الدین شفا در کتاب «تولد دیگر» چنین می‌نویسد:

«ادعا نامهی انقلابی زکریای رازی در دو کتاب فلسفی او علیه اساس نبوت و انکار ارتباط مذاهب با خدا، ۸۰۰ سال پیش از آن که ادعا نامه‌های مشابهی از جانب کسانی چون ولتر، روسو، کانت و هگل بیان شود نوشته شده است.»

استاد شفا در همان کتاب در باره‌ی پیامبران چنین می‌افزاید: «از دیدگاه رازی همه‌ی آنهايي که از آغاز تاریخ مدعی پیغمبری شده‌اند در بدترین احتمال فریبکار بوده‌اند و در بهترین احتمال تعادل روانی نداشته‌اند.»

در جهان اسلام زکریای رازی و ابن سینا با نظریه‌ی معجزه مخالفت ورزیده‌اند. رازی پدیده‌ی دروغین معجزه را «الایب‌های مادر بزرگان» لقب داده است. «فرهنگنامه‌ی اسلامی» نوشته‌های

رازی را بی‌پروترین اظهار نظرهای یک فیلسوف و صاحب‌نظر تاریخ اسلام در باره‌ی ماوراءالطبیعه، مذاهب، پیامبران و مسایلی مانند وحی، معجزه و رسالت می‌داند.

ولتر، فیلسوف فرانسوی، که او را مرد قرن هجدهم نامیده‌اند، در حدود ۸۰۰ سال پس از رازی اندیشه‌های او را بازگو می‌کند و می‌گوید: دین اسلام به مانند یهودیت و مسیحیت مجموعه‌ای از خرافات و باورهای بی‌پایه است. ولتر نیز به مانند رازی کتاب‌هایی را که آسمانی نامیده‌اند زمینی و ساخته و پرداخته‌ی نویسندگان گوناگون می‌داند، باورهای «فراجاهانی» یا ماوراءالطبیعه را نمی‌پذیرد، دنیای دیگر، بهشت و جهنم و بازگشت روح به بدن مُردگان را دست می‌اندازد رازی یکی از نخستین خردمندانی است که قرآن را «کتاب آسمانی» نمی‌داند و آن را نه مقدس میداند و نه شایسته‌ی پذیرش.

استاد شفا در باره‌ی هماهنگی اندیشه‌ها و باورهای رازی و انشتین در کتاب «تولد دیگر» چنین نوشته است: «در حدود هزار سال بعد از زکریای رازی، تقریباً تمام اندیشه‌ها و برداشت‌های او را در باره‌ی خدا، ماوراءالطبیعه، مذاهب، پیامبران، وحی و معجزه با شباهتی شگفت‌انگیز از زبان یکی از بزرگترین نوابغ عصر ما آلبرت انیشتاین می‌توان شنید.

همین نویسنده در همان کتاب در باره‌ی پایان کار رازی چنین نوشته است:

«زکریای رازی، بزرگترین پزشک تاریخ اسلام، به روایت برخی از تاریخ نگاران، در سنین پیری کتابهای او را آن چنان بر سرش کوبیدند که بینایی خود را از دست داد.»

اصالت خاص رازی اندیشمند ایرانی در این است

که ۸ قرن پیش از اروپای «ولتر» و «هگل» مخالفت خود را با ادیان ابراز کرده است.

پاول کراس خاورشناس برجسته‌ی آلمانی

یا ما باید وضع مان را با اسلام امروز روشن کنیم یا بگذاریم فرزندانمان خیلی سخت‌تر در آینده به مقابله با آن بپردازد. امیل ایمانی

ما همه بی‌دین و بی‌خدا به دنیا می‌آییم تا این که یکنفر شروع می‌کند دروغ گفتن به ما!

دکتر روزبه آذربوزین (روزبهرانی)

خلقیات ما ایرانیان

در ایران اسلام زده هیچ چیزی تغییر بنیادی نمی‌کند، به دلیل این که روشنفکران و سیاستمداران ایران همگی دست پرورده و دست نشانده‌ی فرهنگ مومیایی مذهبی اسلامی هستند.

ایرانی تنها ملتی است که از خانه خودش می‌دزدد و به بانک‌های خارج می‌سپارد. امروز ۷۰ میلیون..... در کنار هم زندگی می‌کنند و به زدن جیب همدیگر مشغولند. دزدهای بزرگ، پول مردم را بالا کشیده و هنگام اعتراض مردم نیروها و مزدوران رژیم با گاز اشک‌آور و باتوم به آنها حمله می‌کنند. برای ایرانی معنای دموکراسی و آزادی شناخته شده نیست مردم ما عوض این که به سربازان خود یاری برسانند برایشان دعا می‌خوانند! هنگامی که در زایشگاه مادران به کار رسیدگی بیماران ارثی و نقایص ژنتیکی مشغول بودم پس از آزمایشات موفق آمیز، حاصل کار آن شد که پزشکی قانونی و قوه قضاییه نامه‌ای برای من بفرستد که کارم دخالت در کار خدا بوده و هرچه زودتر باید دکان خود را ببندم! اینجا بود که دریافتم کار علمی در بستر خرافه زُشد نمی‌کند. و این ماجرا ادامه دارد... ایرانی مذهب زده باید از اروپا الگو بگیرد، باید رنسانس را مرور کند، شوربختانه ایرانیان مهاجر به اروپا و آمریکا بجای الگوبرداری از پیشرفت‌ها و تمدن غرب، اقدام به نابودی جامعه میزبان کرده‌اند، هزاران ایرانی بریده از اسلام به کام مسیحیت فرو رفته به دنبال چوپانهای مسیحی روان شده‌اند و دایناسورهای مسلمان روزهای جمعه بعضی میدانها و خیابان‌ها را اشغال کرده به کثافت می‌کشن و مثلاً نماز جماعت می‌خوانند در نیویورک دسته های سینه زنی و در لس آنجلس دست های قمه زنی راه می‌اندازند و روشنفکران ایرانی بی تفاوت بخود مشغول‌اند.

از کسانی که بدبختی دیگران را می‌بینند و به وضع خود شکر می‌کنند حالم بهم می‌خورد.
داستایوفسکی

آخوند‌ها ایران را فقیر و عرب‌ها را ثروتمندتر کردند.

انسان مذهب را می‌سازد، مذهب انسان را نمی‌سازد، مذهب انسان را خراب می‌کند.
تونی

ر- فرد

قلمت بشکند تاریخ

چند ماه پس از انقلاب سه زن تیره روز به دست مشتریان خود تیرباران شدند، پری بلند - ثریا ترکه - اشرف چهار چشم به جرم روسپیگری در شهرنو. حال که چهار دهه از آن روزها گذشته است تهران دیگر محله‌ای به نام شهرنو و قلعه ندارد، روسپی‌ها شهر را سنگر به سنگر و خیابان به خیابان فتح کرده‌اند با شعار هر خیابان باید یک شهرنو داشته باشد!

چشم انقلابیون دو آتشه پیشین و مسلمانان امروز روشن، زنان متأهل که سهل است خبر آمده برخی از مردان هم تن فروشی می‌کنند، دیگر خبری هم از کارت بهداشتی و سلامت و معاینه‌ی ماهانه نیست برخی هم تن در مقابل غذا ارائه می‌دهند. آخوندها برای بهشت نادیده خود زندگی را بر مردم جهنم کردند. قلمت بشکند ای تاریخ اگر نویسی آخوندها پس از گشته شدن جوانان در راه دفاع از میهن برای صیغه کردن و تصاحب زنان آنان چه رقابتی داشتند، قلمت بشکند تاریخ اگر نویسی در زمان این حکومت، اسلامی‌ها دختران کشور را به کشورهای عربی فروختند و در شهرهای مذهبی مانند مشهد برای مردان توریست عرب خانه‌های عفاف یعنی مکانهای عیش و نوش دایر و از آنها پذیرایی کردند. قلمت بشکند تاریخ اگر نویسی شعار مرگ بر آمریکا و انگلیس را برای مردم ساختند و تفریح و تحصیل فرزندان خود را در همان آمریکا و انگلستان فراهم کردند.

دوستان دلسوز و ارجمندی هستند که ما را تشویق به داشتن زبانی آرامتر و فاخرتر در نوشتن مقاله‌ها می‌کنند. از آنسو دوستان خواننده دیگری هستند که زبان ما را در برابر غول خرافات و بختک اسلام به اندازه کافی کوبنده و خردکننده نمی‌دانند. در شماره آینده بیداری نامه‌ای را درج می‌کنیم که نمونه بارزی از تندی و عصبانیت است و سالهاست راه را برای گونه نوشته‌ها بستیم و درج نکردیم و نویسندگانشان را آزرده کردیم.
مقاله «آقای بزرگ امید» را حتماً در شماره آینده بخوانید و داوری کنید.

مسلمانان حقه باز، هر سال باغذای بیشتر ایرانیان شکمو و بی شخصیت را به گدایی غذای نذری می‌کشاند

دانا شیرازی

یادداشتی برای دکتر مهر آسا

با آنکه نمی خواستم به گفتگوی درباره ادبیات بویژه در باره سعدی و مولانا در پاسخ به دکتر مهر آسای گرامی ادامه بدهم ولی ناگزیر شدم به چند نکته آن نوشته اشاره کنم.

۱- در باره سعدی که فرموده اند «سگ تشنه‌ای را دیدند و چون به حیوانات احترام می گذاشتند با کلاه خود به سگ تشنه آب دادند». اگر همه سعدی را بخوانیم سعدی این را هم می فرماید «چو اسم سگ بری چوبی بدست آر» و نظر شیخ سعدی در باره بانوان چین ابراز می شود «چو زن راه بازار گیرد بزَن - وگرنه تو در خانه مانی چو زن!»

۲- تردیدی نیست که مولانا شاعر نیست و عارف است و به قول حمید شیرازی نباید مولانا را در سلک شاعران آورد ولی او در حالی که یک رهبر مذهبی بود ناگهان مدرسه را رها کرده و دستگاه‌های دکانداری دین را می بندد و می گوید اگر خدایی است، خدای همه است و در درون همگی خدا وجود دارد و مسلمان و مسیحی و کلیمی همگی یکی هستند و خدا یکی است.

جهان بر روی این نه طاق مینا

چو خشخاشی بود بر روی دریا

تو خود بنگر کز این خشخاش چندی

بود تا بر بروت خود نخندی

خُرده گیری از اشعار مولانا آسان است ولی بر هیچ روی برای زمان خودش واپسگرا نیست، او در شرایط سختی در برابر دکانداران دین پیا خاست و رقص و موزیک را وارد مدرسه دینی کرد. این خاصیت فرهنگ ما است که گهگاه به قله های ادبیات میهن پرخاش می کنیم - در آغاز نهضت مشروطه آخوند زاده و آقا خان کرمانی نیز سعدی را مورد سرزنش قرار دادند ولی تجربه نشان داد که سعدی ماندگار شد و تلاش آنها بی نتیجه ماند.

شادروان کسروی نیز حافظ را نشانه گرفت و اشعارش را بیهوده نامید در حالی که حافظ از آزاده ترین چکامه سرایان است، حافظ در دیوانش قرآن را دفتر می نامد «صراحی می کشم پنهان و مردم دفتر انگارند» یعنی من شراب در بغل دارم و مردم خیال می کنند کتاب است که اشاره به ریاکاری زاهدان است و یا آنجا که می فرماید «این خرقة که من دارم در رهن شراب اولی - وین دفتر بی معنی غرق می ناب اولی» حافظ در این بیت قرآن را بی معنی و سزاوار انداختن آن در «می» می داند.

در باره رازی که ۲۵۰ سال پیش از مولوی با صدای بلند خدا را انکار کرده است، منبع این خبر کجاست و چگونه رازی در آن شرایط توانسته با صدای بلند وجود خدا را انکار کند؟ شاید

رازی هم در ساحل اقیانوس آرام سخن می گفته و می نوشته اگر مولانا به جهود اهانتی کرده است سعدی هم کرده که می گوید «گر آب چاه» نصرانی نه پاک است - جهود مُرده می شویم چه باک است. جناب شیخ در یک بیت هر دو آیین نصرانی و یهودی را ناپاک دانسته است. حالا شما هرچه می خواهید به مولانا بد و بیراه بگویید. اگر با این کوشش ها مردم ایران آگاه می شوند پیروز باشید و یادمان نرود که کسروی با حافظ همین کار را کرد که بازتاب خوبی نداشت، ایرانی ها حافظ را لسان الغیب می دانستند و به او عشق می ورزیدند چون در تمام عمر با آخوند و شیخ و زاهد به ستیز بود و آنها را ریا کار می دانست. شما هم تنها کافی است تاریخ ایران را با نقش آخوندها برای مردم روشن کنید تا آنها از این خواب بیدار شوند. شعار دادن کار ساده‌ای است ولی کار ساز نیست.

به اصرار نویسنده پیشنهاد می کنم از جلوی نام ایشان برداشته شد.

برگردان محمد خوارزمی رابرت اینگرسل

شکاکین به خدا (۴)

آنچه که در یک کشور کفر به حساب می آید در سرزمینی دیگر، ممکن است همان کفر مجاز و مورد تشویق قرار گیرد. هر کلیسایی تقریباً هر کلیسای دیگر را به کفرگویی متهم می کند کاتولیک ها مارتین لوتر را به کفرگویی متهم می کنند، مارتین لوتری ها کپرنیک را کفرگو می دانند، دینمداران بی دانش همیشه دانش را به چشم کفر و الحاد نگاه می کنند، تعدادی از بزرگترین مردان جهان و از بهترین مردم جهان به اتهام کفرگویی محکوم به مرگ شده و جان خود را از دست داده اند. هر دینی دیگر را کفرگو می داند. کفرگویی یعنی یک مطلب غلط گذشته به حقیقت کشف شده‌ی تازه‌ای بیان شود کفرگویی یعنی مردود شمردن یک باور غیر منطقی بیهوده، هرچه به حقیقت نزدیک شوید به کفرگویی بیشتر می رسید، اتهام کفرگویی ایجاد سدی است از جانب مذهب‌یون متعصب.

رابرت اینگرسل در دفاع از این نوع کفرگویی می نویسد، یک نمونه از کفرگویی محاکمه مرد جوانی بود که تحت قانون قدیمی ایالت نیوجرسی در سال ۱۸۸۷ انجام گرفت، و من به مدت ۴ ساعت از آن جوان در دادگاه دفاع کردم ولی هیات داوران متهم را گناهکار تشخیص دادند و قاضی دادگاه جوان را به یکسده دلار جریمه کرد که تمام مبلغ جریمه را هم بدون دریافت حق وکالت خودم پرداختم.

کفرگویی را نمی شود خفه کرد. کفرگویی مثل این است که برگ درخت سال قبل می خواهد به غنچه نوشکفته امسال نظرش را بگوید.

بعد در همین بخش راجع به سنگ آتش زنه و آهن ببینید چه جفنگی سر هم کرده است:

سنگ بر آهن زنی بیرون جهد هم به امر حق قدم بیرون نهد! جف القم! می‌گوید زدن آهن به سنگ آتش زنه و جهش جرقه، به امر الله است! این نشان از کمال بی خبری از دانش و دانایی است.

بعد داستان هود را که تورات و قرآن مشتی دروغ را به هم بافته و نابودی قوم هود را رقم زده‌اند، می‌آورد که هود به باد گفت مؤمنانم را نگهدار و بی باوران به من را بکش.

هود گرد مؤمنان خطی کشید نرم می شد باد کانجا می رسد هر که بیرون بود زان خط جمله را پاره پاره می گسست اندر هوا یعنی هود مردمان شهر و دیارش را دو دسته کرد. دسته‌ای که به او ایمان داشتند و دسته‌ای که او را قبول نداشتند. دسته نخست را یک جا جمع کرد و اطرافشان را خطی کشید و بقیه که توی این دایره نیامده بودند، گمراهان از دین هود بودند که بادی برخاست و آنها را که بیرون خط بودند به هوا پرت و پاره پاره می‌کرد. ولی به کسانی که درون خط بودند آسیبی نمی‌رسید. ای بر هر چه دروغ گو است هزاران نفرین. این دو دسته در یک محل بوده‌اند و تنها خطی که هود کشیده آنان را از هم جدا کرده است. پس چرا آدم‌های درون خط آسیب ندیدند؟ معجزه دروغین یعنی همین! آری مثنوی ملای روم سراپا دروغ است.

خبرهایی از جهان اسلام

به گزارش پارسینه به نقل از «اسپوتنیک» رئیس‌جمهور آنگولا آقای «ژوزه ادوارد و سانتوش» در اقدامی عجیب اسلام را در کشور آنگولا ممنوع اعلام کرد و دستور بستن تمامی مساجد را در کشور داد. رئیس‌جمهور اظهار داشت ممنوعیت دین اسلام به نفوذ این دین در کشور ما پایان می‌دهد. وزیر فرهنگ آنگولا «رزاکروز سیلوا» با اشاره به این اقدام گفت این کار براساس مبارزه با فرقه‌های مذهبی صورت گرفته است و به همین سبب دین اسلام غیرقانونی اعلام می‌شود. طبق اطلاعات وزارت خارجه آمریکا در آنگولا حدود ۹۰ هزار مسلمان زندگی می‌کنند که اکثر آنها از مهاجران آفریقای غربی و لبنان هستند. دولت محلی هندوستان قانون سه طلاقه کردن را بین مسلمانان منطقه غیرقانونی کرده است. چین نام «محمد، مجاهد، جهاد، مدینه، عرفات و مانند این‌ها را برای نام کودکان مسلمان منع کرد. چین ماه گذشته در مناطقی بلند کردن ریش و داشتن حجاب را نیز در اماکن عمومی منع نموده است. منبع: نیویورک تایمز

غوری در مثنوی هفتاد من کاغذ ملای روم!

دکتر م.ع. مهر آسا

یکی از بزرگترین دروغ‌های مولانا در داستان «پادشاه یهودی و مردم مسیحی» این است که آن پادشاه یهودی (که مولانا از او به‌واژه جهود سگ نام می‌برد) در کنار بتش آتش بزرگی روشن کرد و می‌خواست نصرانی‌ها را در آن آتش اندازد. نخست مادر و پسری را جدا کرد و پسر را به درون شعله‌های آتش انداخت؛ ولی با کمال تعجب دید که پسر می‌خندد و درون آتش بازی می‌کند و به مادرش اشاره می‌کند که تو هم بیا اینجا جای خوبی است و مثل گلستان است. اگر این دروغ نیست باید به چه تعبیر کرد؟ خاصیت آتش فقط و فقط سوزاندن است و این را هم دانش می‌گوید و هم فلسفه و منطق و هیچ خدایی نمی‌تواند مانع این سوختن شود. آن داستان ابراهیم و آتش نیز که در تورات و قرآن درج است دروغی است به عظمت کائنات! از چه روی این ملای رومی چنین بی‌علم و تنها با تعصب خشک مذهبی چنین دُری فشانده است؟ این نوع برخورد با آتش و آب ناشی از ایمان دروغین و شرم‌آور مسلمانان نسبت به دین است که چون زمان عیسی است و دوره یهودیت به‌زعم مولانا سپری شده است، پس آتش برای نصارا که دینی جدید است گلستان می‌شود. در ضمن مثل این‌که مولانا کاملاً فراموش کرده است که یهودیان زمان عیسی یکتاپرست بودند و بت نمی‌ساختند.

بعد با اشعاری سست می‌گوید که آن پادشاه یهودی روی به آتش کرد و گفت چرا خاصیتت را از دست داده‌ای و نمی‌سوزانی و از این نوع مغالطه‌های سخیف!

رو به آتش کرد شه‌کای تند خو آن جهان سوز طبعی خوت‌کو؟
جادویی کردت کسی یاسیمیاست یا خلاف طبع توازیخت‌ماست
گفت آتش من همانم ای شمن اندر آ تو تا ببینی تاب من
طبع من دیگر نگشت و عنصرم تیغ حقم هم به دستوری بوم
این کمال نادانی یک ملای اندک مایه است که به آتش حرف زدن نسبت می‌دهد و آتش با پادشاه یهودی سخنرانی می‌کند و نسوزاندن بچه مسیحی را از کرامات الله یا به قول او حق می‌داند. این حرف زدن جامدات که زاهدان خشکه مقدس و ملاهای اسلام از آن بسیار گفته‌اند و از درخت و سنگ و آتش و غیره که با پیامبر اسلام و امامان سخن گفته‌اند داستان سر داده‌اند...، نشان کمال بلاهت گوینده است. زیرا سخن گفتن لازمه‌اش داشتن تارهای صوتی است که حتا در حیوانات هم وجود ندارد و این تنها خصلت آدمی است.

درگذشت انسانی بزرگ با تسلیتی به بازماندگانش

هزینه‌ها کمک تون کنم، تو ایران مردم رو تو فقر نگه داشتن هم اقتصادی هم اجتماعی و هم فرهنگی و سیاسی امیدوارم که بر قرار باشید.

م - اسدی
* با درود، با اندوه فراوان از خبری که دادید قلبم به درد می‌آید وقتی در وب سایتها و ماهواره‌ها می‌خوانم و می‌بینم ایرانیان ساکن آمریکا در نیویورک دسته‌های سینه‌زنی راه می‌اندازند و یا چه کمک‌هایی به مساجد می‌کنند.... بفرمایید ما چگونه از اینجا برای پایداری بیداری ادای دین کنیم، ما به شما مدیونیم و زحمات شما را فراموش نمی‌کنیم. کامی - زمانیان - ایران
* من در فلوریدا هستم چگونه می‌توانم به بیداری کمک کنم. حسین معرفت

بیداری - مشکل ما کم بودن تیراژ بیداری است که به دست ده در سد مردم هم نمی‌رسد و در همانروزهای نخست انتشار تمام و نایاب می‌شود. اگر برراستی می‌خواهید در یک مبارزه رو در رو در ساده‌ترین شکل ممکن با خرافات و ناآگاهی هم میهنان تان شرکت داشته باشید و از کار خود و برای همیشه خوشحال و سرفراز باشید سعی کنید هرچند نسخه که می‌توانید هر ماهه چاپ و بدست مردم برسانید، ما می‌توانیم به هر تعداد که بخواهید با حساب دانه‌ای یک دلار بیداری‌ها را در اختیار خودتان قرار دهیم به دست بستگان و دوستان و مردم بدهید و یا ما این کار را برای شما انجام دهیم، کاری که هفده سال است به کمک چند همکار فداکار بطور مجانی در کتابخانه‌ها، فروشگاهها - مطب پزشکان، دفاتر ایرانیان بیداری پخش می‌شود. ساده‌تر از این خدمت به جامعه نمی‌شود، هر یک دلار شما یک نسخه بیداری را بدست یکنفر می‌رساند، هر نسخه بیداری می‌تواند اندیشه‌های رگم و زیانبخش یک نفر و یک خانواده را عوض کند.

* سلام، من با هر بیداری که بدستم میرسد، یکماه عشق می‌کنم و آن را بیشتر از ده بار می‌خوانم و برای این و آن کپی می‌کنم، بیداری آبروی رسانه‌های خارج از ایران است از زحمات شما سپاسگزاریم، امیدوارم که تعطیل نکنید. سامان ملک - دانشجو

با درگذشت آقای «س» انسانی عاشق ایران و شیفته‌ی فرهنگ و مردم که برای یازده سال هر ماهه هزینه ۴۰۰ نسخه بیداری را می‌پرداخت، ادامه انتشار بیداری با مشکل جدی روبرو شده است و به همین دلیل شماره ۹۶ بیداری دیرتر از موعد منتشر شد و باعث گله خوانندگان درون ایران گردید. برای آنها که در ایران و سایر نقاط جهان بیداری با ایمیل فرستاده می‌شود نوشتیم «هم میهنان گرامی، ببخشید که به دلیل مشکل شدید مالی این شماره دیر به دست شما می‌رسد و اینطور که بنظر می‌آید باید انتشار بیداری را متوقف کنیم و یا هراز چند اگر کسی یاری داد شماره‌ای بیرون دهیم، شوربختانه بیشتر هم میهنان ما در بیرون از کشور (جز چند تن فداکار) برای کارهای فرهنگی آنها با این اهمیت از پرداخت ماهی ۵ دلار هم دریغ می‌کنند و ما را تنها رها کرده‌اند» پس از فرستادن این نوشته سیل ایمیل‌هایی بود که اظهار ناراحتی و دلسوزی می‌کردند. به ظرفیت کم صفحات بیداری به چند نامه رسیده نگاه کنیم.

پیامها و نامه‌های وارده

* درود به شما، خبر تأسف باری بود از این که هم میهنان ما در خارج از کشور همیاری نمی‌کنند. من اکنون در داخل شهر مسافركشی می‌کنم و وضع خوبی ندارم ولی قول می‌دهم روزی یک یا دو سرویس بیشتر بروم تا ماهانه ده تا بیست هزار تومان به بیداری یاری برسانم. این تنها کاریست که می‌توانم انجام دهم. خسرو کاویان - شیراز

پاسخ - شرط انصاف و انسانیت نیست چشم ما به دست شما گرفتاران بلا باشد، هرگز به این فداکاری نیازی نیست. سپاس از دلسوزی و مهر شما -

* سیاوش خان، با عرض ارادت، نسخه شماره ۹۶ رسید، امیدوارم میل کمک کردن به کارهای فرهنگی در ما مردم رونق بگیرد. اینجا هم همانطور است، مردم می‌گن چرا من کمک کنم، یکی دیگر کمک کند - چرا من اعتراض بکنم، یکی دیگر اعتراض بکند - چرا من دیرتر به سرکارم برسم، یکی دیگه دیرتر برسه. و..... یوسف زنجانی - تهران

* به خوبی درکتان می‌کنم، زمانی که من به آلمان آمدم برای بچه‌ها کلاس فارسی مجانی دایر کردم با استقبال زیاد خانواده‌ها روبرو شدم، تعداد که زیاد شد برای پلی کپی و تهیه کتاب و هزینه‌های مربوط درخواست ماهی ۵ مارک کردم، تعداد کلاس کمتر و کمتر شد. و سرانجام تعطیل شد ایران پهلوان آلمان * از ارسال ماهنامه خیلی خرسندم، ای کاش می‌توانستم تو

ساده‌تر از این نمی‌شود خدا را شناخت! موهومی که یک شیطان آفرید و برای جبران اشتباهش ۱۲۴۰۰۰ پیامبر فرستاد و آخر سر هم شیطان بر همه آن پیامبران پیروز شد! دکتر ل - روزبهانی

Thinking points for Iranian youth

Muslim don't want to assimilate, they want to infiltrate and dominate.

It is time to revisit the first Amendment of the U.S. constitution and see if Islam is Qualified as a religion ? serious problems require equally serious solutions. AI

اگر قرار است ایرانیان یک روز از سال را غمگین باشند و گریه کنند، باید سالروز حمله اعراب به ایران باشد که این حمله ایران را به خاک سیاه نشانید نه در شبی بمناسبت احیا «ب»

جلدهای ۱ و ۲ و ۳ خردنامه بیداری تمام شده است
جلد ۴ موجود است.

بهترین راه به دست آوردن بیداری، در هر کجاکه هستید، دریافت از راه پست است. تلفن بزنید فوراً فرستاده می شود

راه تماس با ما 858-320-0013
bidari2@Hotmail.com

بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

سخن شرم آور یک دانشگاه رفته

«هنگامی که نام امام رضا می آید من دیگر کسی نیستم و محو می شوم!»

از سخنان جناب پرفسور مجید سمیعی جراح نامدار مغز در برنامه ی تلویزیون جمهوری اسلامی با مهران مدیری

شور بختانه سواد شعور نمی آورد

تلویزیون E2 را به مدیریت جوان پر شور امید امیدوار بیاد دارید؟ که مدت زیادی است به علت مشکل مادی بسته شده است. اینک می توانید برنامه های خوب E2 را هر کجاکه هستید روی رادیو بشنوید. آدرس رادیو عبارت است از:
www.voiradio.com 703-349-2279

آنقدر در سیاست دخالت نکردید که سیاست در همه جایمان دخالت کرد.
افشین مهرآسا

Prsrt Std
U.S. Postage
Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129

BIDARI
بیداری
P.O.BOX 22777
San Diego CA 92192
U.S.A